

واکاوی نقش حصار و دروازه در امنیت بخشی به مجتمع های مسکونی، نمونه موردی: مجتمع های مسکونی شهر همدان*

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۰۳/۳۰

سارا جلالیان** - فرح حبیب*** - کیانوش ذاکر حقیقی***

چکیده

این مقاله بر آن است تا امنیت مجتمع های مسکونی^۱ دارای حصار و دروازه^۲ و فاقد حصار و دروازه^۳ را بر حسب تجربه جرم ساکنان، مورد بررسی قرار دهد. مطالعات این پژوهش بر پایه چهار راهبرد اساسی رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^۴ شکل گرفته است و بر حصار و دروازه به عنوان یکی از شاخص های دو راهبرد کنترل دسترسی و قلمروگرایی متمرکز شده است. نمونه های مطالعاتی، از میان مجتمع های مسکونی شهر همدان به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. این پژوهش با دو راهبرد کیفی و کمی؛ در مرحله اول با روش تحلیل محتوا و در مطالعات میدانی، با روش پیمایشی انجام شده است. روش مدل یابی معادلات ساختاری و آزمون های آماری وابسته به آن، برای سنجش رابطه بین متغیرها و آزمون ناپارامتری یومن ویتنی برای سنجش سطح معناداری امنیت بین دو گروه مجتمع های دروازه دار و بدون دروازه به کار گرفته شد. یافته های پژوهش نشان دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین حصار و دروازه و امنیت نمونه های مطالعاتی می باشد. همچنین تفاوت معناداری بین امنیت مجتمع های مسکونی دارای حصار و دروازه و فاقد حصار و دروازه همدان یافت نشد. کنکاش پیرامون یافته های تحقیق بیانگر آن است که، ویژگی های کالبدی حصارها و دروازه ها و عادات های رفتاری مردم به عنوان یک عامل فرهنگی، از مهم ترین دلایل نقش کم رنگ دروازه ها و حصارها در امنیت بخشی به مجتمع های مسکونی همدان می باشد. نتایج نشان دهنده اهمیت بافت پیرامون مجتمع مسکونی در ارتباط با امنیت مجتمع، به لحاظ وجود یا فقدان بافت کالبدی مناسب و نوع کاربری های همجوار می باشد.

واژگان کلیدی: امنیت، پیشگیری از جرم، حصار و دروازه، مجتمع مسکونی، همدان.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین نقش عوامل کالبدی محیط در ارتقاء امنیت مجتمع های مسکونی، نمونه موردی: مجتمع های مسکونی در همدان» به راهنمایی دکتر فرح حبیب و مشاوره دکتر کیانوش ذاکر حقیقی می باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد به انجام رسیده است.

** دانش آموخته دوره دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول).

Email: jalaliansara@yahoo.com

*** استاد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

*** دانشیار معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.

مقدمه

در مطالعات امنیت‌پژوهی در تبیین مفهوم امنیت، به دو نکته متفاوت اشاره می‌شود؛ در مورد نخست، امنیت، مفهومی عینی است. مصادیق این مفهوم به حفظ جان و مال انسان‌ها مربوط می‌شود، در رویکرد دوم، مراد از امنیت، بیشتر یک مفهوم ذهنی است و از آن به احساس امنیت تعبیر می‌شود (Kyung Kim, 2006). امنیت در بعد عینی آن با مفهوم جرم و پیشگیری از جرم ارتباط پیدا می‌کند. پیشگیری از جرم یک موضوع پیچیده است (Minnery, 2005, p. 331). رابطه متقابل محیط و رفتار انسان، رویکردهای جدید طراحی محیطی را به این باور رسانده که ساختار اجتماعی - کالبدی محیط، تدوین و اعمال ضوابط ویژه در آن، می‌تواند به میزان قابل توجهی از ارتکاب جرائم جلوگیری کند. اصطلاح پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی اولین بار توسط ری جفری^۵ جرم‌شناس به وجود آمد و بیان شد و همزمان اصطلاح فضای قابل دفاع^۶ توسط فردی معمار به نام اسکار نیومن^۷ به کار گرفته شد. چندی بعد، مدل پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی نیومن با کارهای شخصی به نام تیموتی کرو^۸ گسترش یافت. از سال ۲۰۰۴، رویکرد فوق با اشاره به مدل نیومن - کرو همراه با مدل رفتاری جفری به عنوان یک راهبرد میان‌رشته‌ای مورد قبول واقع شد (Kyung Kim, 2006).

یافته‌های پژوهشگران رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی تحت چهار عامل نظارت^۹، کنترل دسترسی^{۱۰}، قلمروگرایی^{۱۱} و تعمیر و نگهداری^{۱۲} قابل دسته‌بندی است. نظریه‌پردازانی چون اسکار نیومن، تیلور^{۱۳}، تیموتی کرو و پرکینز^{۱۴} از اصل قلمروگرایی حمایت می‌کنند. اصل نظارت طبیعی مورد توجه جین جیکبز، نیومن و پرکینز بوده است. برانتینگهام و برانتینگهام^{۱۵}، کوزن^{۱۶} و کرو، کنترل دسترسی را در مطالعات خود پرنگ‌تر نشان داده‌اند. ویلسون و کلینگ^{۱۷} با نظریه پنجره‌های شکسته و نیومن در فضای قابل دفاع مسأله تعمیر و نگهداری و تصویر را مورد حمایت قرار داده‌اند (Abdullah & Salleh, 2012).

جدول ۱: راهبردهای چهارگانه رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و حامیان هر یک

اصول	نظریه پردازان					
قلمروگرایی	اسکار نیومن ۱۹۷۲	نیومن ۱۹۷۳	تیلور ۱۹۹۰	نیومن ۱۹۹۶	کرو ۱۹۹۰	پرکینز ۱۹۹۳
نظارت	جیکبز ۱۹۶۱	نیومن ۱۹۷۳	نیس و روب ^{۱۹} ۲۰۰۹			پرکینز ۱۹۹۳
کنترل دسترسی	برانتینگهام و برانتینگهام ۱۹۹۳	شو ^{۲۰} ۱۹۹۹-۲۰۰۹	کوزن ۲۰۰۲		کرو ۱۹۹۴	
تعمیر و نگهداری	نیومن ۱۹۷۲	لیبرمن ^{۲۱} ۲۰۰۴				

(Adapted from Abdullah & Salleh, 2012)

کنترل دسترسی، فرآیندی است که به منظور توقف، تشخیص یا بازرسی افرادی که قصد ورود به محیط خاص یا ساختمانی را دارند، انجام می‌شود. از این اصل برای کاهش میزان پتانسیل دسترسی به مناطق برای انجام جرم و کاهش ارتکاب جرم استفاده می‌شود. کنترل دسترسی به معنای کاهش فرصت برای ارتکاب جرم از طریق راهکارهایی چون ایجاد نگرهبانی، کنترل مکانیکی مانند قفل‌ها و کنترل طبیعی، مانند تعریف مناسب فضا از طریق دیوارها، حصارها و حائل‌ها فرض می‌شود (Bemanian, 2009). این مقاله در پی کنکاش پیرامون نقش حصارها و دروازه‌ها در امنیت بخشی به مجتمع‌های مسکونی، با دیدگاهی زمینه‌ای می‌باشد. به این منظور، مجتمع‌های مسکونی همدان به عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شده است.

۱. پیشینه نظری پژوهش

مفهوم به‌کارگیری عوامل کنترل دسترسی محیط، به عنوان وسیله‌ای برای پیشگیری از جرم، مفهوم جدیدی نیست. قصرهای قرون وسطی به گونه‌ای طراحی شده بودند که نفوذناپذیر باشند. به عنوان مثال، بر بلندی ساخته می‌شدند و برج‌هایی در آن‌ها وجود داشت که سربازان بر فراز آن‌ها نگرهبانی می‌دادند. این قصرها توسط خندق، موانع میخ‌دار و پنجره‌های آهنین احاطه می‌شدند. شهر جریکو^{۲۲} توسط دیواری به ارتفاع ۲۱ فوت احاطه می‌شد که در بیرون آن خندقی با عرض ۱۵ فوت و عمق ۹ فوت کشیده بودند؛ این شهر حدود ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح ساخته شده است. نمونه دیگر این استفاده‌های قدیمی از طراحی محیطی به عنوان وسیله محافظت، دیوار بزرگ چین می‌باشد که سه قرن قبل از میلاد، برای محافظت مرزهای شمالی چین طراحی شده بود (Armitage, 2004).

در آرمانشهر کامپانلا به منظور تأمین امنیت، شهر روی تپه‌ای قرار گرفته و هفت دیوار آن را محصور کرده و از آن به شدت محافظت می‌کنند (Salehi, 2008). از این نمونه‌ها در تاریخ بسیار می‌باشد که به ذکر همان چند مورد اکتفا می‌شود.

سابقه ایجاد محله های دروازه دار به نخستین سکونتگاه های ساخته انسان بر می گردد. شهرهای قدیمی به منظور حفاظت از ساکنان و مایملک آن ها دارای دیوار و دروازه بودند، چنانچه گفته می شود، فلسفه غارت-دفاع یکی از دلایل اصلی شکل گیری سکونتگاه های اولیه بوده است (Habibi, 1999).

طبق تعریف، جوامعی با دروازه ورودی اختصاصی و دیوارها یا نرده هایی به دور آن، جوامع دروازه دار نامیده می شوند (Kyungkim, 2006). همچنین بلیکلی و سیندر^{۲۳} به سال ۱۹۹۹، جوامع دروازه دار را مناطق مسکونی با کنترل دسترسی به گونه ای که دارای فضای عمومی خصوصی سازی شده هستند، تعریف می کنند. از سال ۱۸۰۰ میلادی، هنگامی که اولین جوامع دروازه دار در ایالات متحده، شکل گرفت، دروازه ها و حصارها مورد توجه پژوهشگران و طراحان مسکن قرار گرفت، از این زمان به بعد ساخت جوامع دروازه دار، قویاً افزایش یافته است (Blakely & Snyder, 1999).

ایجاد محله های دروازه دار مدرن در آمریکا و انگلستان در دهه های اخیر در پی رواج فرهنگ جدایی گزینی اجتماعی و خصوصی سازی افزایش یافته است. این محله ها اکثراً برای حفاظت ساکنان از مزاحمت مجرمان خارجی شکل گرفتند. گاهی نیز برای جلوگیری از تهدیدات امنیتی گروهی خاص به وجود آمده اند. در مواردی این حصارها و دروازه ها بیشتر جنبه سمبلیک و زیبایی شناختی داشته و برای ایجاد تشخیص به کار می رود. در این صورت دروازه های گران قیمت نصب می شود و حصار آن تنها قسمتی از محله را پوشش می دهد (Schneider & Kitchen, 2007). بلندی^{۲۴} و همکارانش (۲۰۰۳) ادعا می کنند نزدیک به یک هزار مجموعه دروازه دار طی سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ در انگلستان ایجاد شده است. مجموعه های دروازه دار در آمریکای لاتین، چین، فیلیپین، اندونزی، نیوزلند، جنوب آفریقا، آلمان، فرانسه، شرق اروپا و بخشی از دنیای عرب مانند مصر، لبنان، عربستان و اسپانیا رواج یافتند و در هر یک از این مناطق دلایل خاص خود را برای شکل گیری و رواج داشته اند. دروازه ها به طور سمبلیک جامعه را از دنیای خارج و مشکلاتش جدا می کنند. با وجودی که ممکن است امنیت ساکنان این جوامع بیش از سایرین نباشد (Low, 2003).

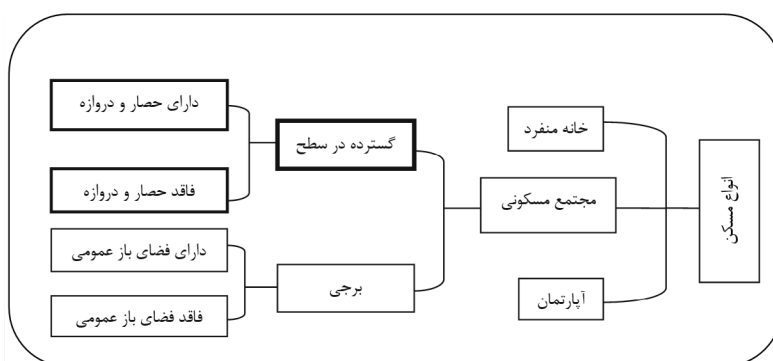
در مجتمع های مسکونی، حصارها و دروازه ها، از عوامل مهم تعریف مرز قلمرو نیز می باشد. مجتمع های مسکونی می توانند به صورت کاملاً بسته باشند و با محدوده های سخت از بقیه شهر جدا شوند و همچنین می توانند به نوعی ارتباط محیطی خود را حفظ نموده و در عین حال حریم و قلمرو مربوطه را داشته باشند (Einifar, 2011). مطابق تعریف، چهار ویژگی کلی در خصوص مجتمع های مسکونی دروازه دار قابل جمع بندی است؛ ورودی کنترل شده، یک قلمرو دیواردار، جامعه درونی جداسازی شده از بیرون و یک فضای جمعی خصوصی درون مجتمع از جمله این ویژگی ها می باشد (Kyungkim, 2006). حصارها و دروازه ها می توانند در تعریف قلمروهای تحت نفوذ ساکنین و کنترل دسترسی مؤثر باشند و تصور افراد از امنیت را افزایش دهند. هر چند به نظر می رسد، محدود کردن مناطق مسکونی باعث افزایش امنیت و احساس مسئولیت و مشارکت ساکنان می شود، گاهی ممکن است باعث کاهش امنیت شود (Lang & Danielson, 1997; Blankely & Snyder, 1997).

هالبر^{۲۵} در سال ۲۰۰۱، از طریق مطالعه موردی دریافت که علت اینکه شخصی یک مجتمع مسکونی دروازه دار را برای سکونت انتخاب می کند، در درجه اول احساس امنیت از زندگی در این محیط می باشد. فولر و مانگون^{۲۶} به سال ۱۹۸۶ دریافتند هیچ رابطه ای بین میزان جرم و حصارها و دروازه ها وجود ندارد. مطالعات بلیکلی و سیندر به سال ۱۹۹۷، رابطه بین میزان واقعی جرم و وجود حصارها و دروازه ها در جوامع دروازه دار را مورد تأیید قرار نمی دهد (Kyungkim, 2006).

۲. نمونه مطالعاتی

مطابق تعریف؛ مجتمع مسکونی، تعدادی بلوک ساختمانی است که می تواند شامل گونه های مختلف مسکن، تک خانواری، آپارتمان کوتاه و بلندمرتبه باشد. در این مجتمع ها بلوک های آپارتمانی در یک قطعه زمین و براساس طراحی از پیش اندیشیده شده قرار می گیرد. بلوک ها می توانند در اشکال مختلفی با یکدیگر ترکیب شوند و فضای باز در ارتباط معناداری با ساختمان ها قرار گیرد (Einifar, 2011). در یک نگاه کلی مجتمع مسکونی از بلوک ها و فضای باز مابین آن ها تشکیل شده است. برحسب تعداد بلوک ها، ارتفاع و چیدمان فضای باز و بسته نسبت به هم شکل های متنوعی از مجتمع های مسکونی به وجود می آید.

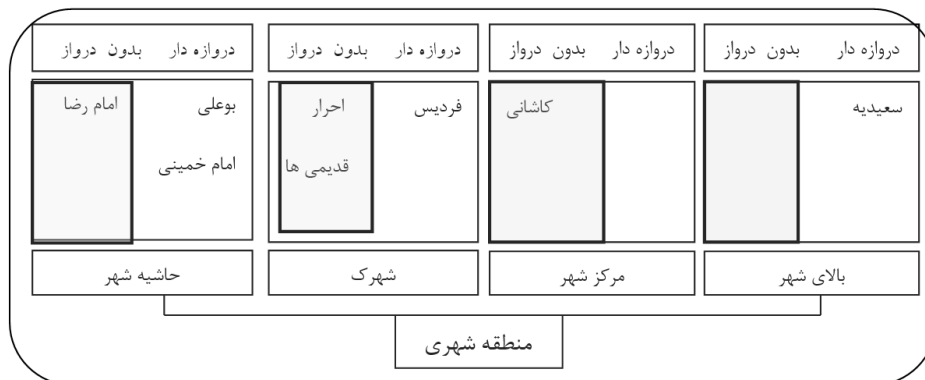
شکل ۱: گونه شناسی انواع مسکن



ساخت‌وساز مجتمع مسکونی در شهر همدان همراه با موج ساخت مجتمع‌های مسکونی ایران در دهه پنجاه شمسی، با مجتمع مسکونی کاشانی آغاز شد. در حال حاضر دو عدد مجتمع مسکونی برجی شکل در شهر همدان وجود دارد. سایر مجتمع‌های مسکونی شهر همدان از نوع گسترده در سطح هستند. دو عدد مجتمع برجی شکل، مجتمع‌های مسکن مهر به دلیل شرایط خاص آن‌ها، مجتمع‌هایی که به قشر یا ارگان خاصی از مردم تعلق دارد و مجتمع‌هایی که سابقه سکونت در آن‌ها کمتر از پنج سال می‌باشد، از دایره مطالعات این مقاله خارج شده‌اند.

مجتمع‌های مسکونی گسترده در سطح شهر همدان، دارای بلوک‌هایی با تعداد طبقات بین سه تا ده طبقه و ده طبقه می‌باشند. جمعیت این مجتمع‌های مسکونی بین ۵۰۰ نفر تا ۳۰۰۰ نفر برآورد شده است. بر پایه مطالعات انجام شده، مجتمع‌های مسکونی همدان به دو دسته دارای حصار و دروازه و فاقد حصار و دروازه تقسیم می‌شوند. از بین مجتمع‌های مسکونی شهر همدان، هشت مجتمع به‌عنوان نمونه‌های مطالعاتی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. در زیر مدلی جهت انتخاب نمونه‌های مطالعاتی ارائه شده است.

شکل ۲: مدل نمونه‌گیری از مجتمع‌های مسکونی همدان



۲-۱- آشنایی با نمونه‌های مطالعاتی

به منظور آشنایی با نمونه‌های مطالعاتی، تصاویر و ویژگی‌های آن‌ها در جداول ۲ و ۳ جمع‌بندی شده است.

جدول ۲: مجتمع‌های مسکونی دارای حصار و دروازه

مجتمع مسکونی سعیدیه	مجتمع مسکونی فردیس	مجتمع مسکونی بوعلی	مجتمع امام خمینی
			
زمان ساخت: دهه هفتاد شمسی جمعیت: حدود ۲۰۰۰ نفر تعداد طبقات: ۶ و ده طبقه محل قرارگیری: بالای شهر حصاردار، از جنس نرده فلزی و دیوار بافت شهری پیرامون: مسکونی-اداری-تجاری-خیابان اصلی	زمان ساخت: دهه هفتاد شمسی جمعیت: حدود ۱۰۰۰ نفر تعداد طبقات: چهار طبقه محل قرارگیری: شهرک مدنی حصاردار، از جنس دیوار آجری بافت شهری پیرامون: مسکونی-خیابان فرعی	زمان ساخت: دهه هشتاد شمسی جمعیت: حدود ۱۰۰۰ نفر تعداد طبقات: ۴ طبقه محل قرارگیری: حاشیه شهر حصاردار، از جنس نرده فلزی بافت شهری پیرامون: بزرگراه-مسکونی-زمین خالی	زمان ساخت: دهه هفتاد شمسی جمعیت: حدود ۲۰۰۰ نفر تعداد طبقات: ۴ طبقه محل قرارگیری: حاشیه شهر حصاردار، از جنس نرده فلزی بافت شهری پیرامون: بزرگراه-زمین‌های خالی

جدول ۳: مجتمع‌های مسکونی فاقد حصار و دروازه

مجتمع کاشانی	مجتمع مسکونی امام رضا	مجتمع مسکونی احرار	مجتمع قدیمی‌ها
			
زمان ساخت: دهه پنجاه جمعیت: حدود ۲۰۰۰ نفر تعداد طبقات: ۴ طبقه محل در شهر: مرکز فاقد حصار کامل بافت شهری پیرامون: مسکونی - تجاری - خیابان اصلی	زمان ساخت: دهه هفتاد شمسی جمعیت: حدود ۳۰۰۰ نفر تعداد طبقات: ۴ طبقه محل قرارگیری در شهر: حاشیه فاقد حصار بافت شهری پیرامون: فاقد بافت شهری (زمین فاقد بنا)	زمان ساخت: دهه هفتاد جمعیت: کمتر از ۱۰۰۰ نفر تعداد طبقات: ۴ طبقه محل قرارگیری در شهر: شهرک بهشتی فاقد حصار بافت شهری پیرامون: خیابان فرعی - مسکونی	زمان ساخت: دهه شصت و هفتاد جمعیت: ۷۰۰ نفر تعداد طبقات: ۴ طبقه محل قرارگیری: شهرک فرهنگیان فاقد حصار بافت شهری پیرامون: مسکونی - خیابان فرعی

دو عامل کالبدی حصار و دروازه در نمونه‌های مطالعاتی این پژوهش، دارای ویژگی‌های کالبدی نسبتاً مشابه هستند. لازم به توضیح است که تصاویر بخش‌هایی از این حصارها در جدول ۲، آورده شده است. مجتمع مسکونی سعیدیه همدان دارای حصار کامل پیرامون مجتمع، از جنس دیوار آجری در زیر، با میانگین ارتفاع پنجاه سانتی‌متر و نرده فلزی روی آن با میانگین ارتفاع حدود صد و بیست سانتی‌متر می‌باشد. بخش انتهایی بالای نرده‌ها کاملاً صاف است. این مجتمع مسکونی دارای دو دروازه ورودی مشخص و تعریف شده است؛ یکی برای ورود و دیگری برای خروج از مجتمع و هر دو دروازه دارای نگهبان دائمی می‌باشند.

مجتمع مسکونی فردیس همدان، دارای حصار کامل پیرامون مجتمع به صورت ترکیبی دو بخشی از دیوار آجری ممتد و دیوار آجری کوتاه در زیر و نرده فلزی روی آن می‌باشد. بخش انتهایی بالای نرده‌ها کاملاً صاف است. در بخش‌هایی، حصار فقط به شکل دیوار آجری ممتد اجرا شده است. میانگین ارتفاع حصار پیرامون این مجتمع حدود دو متر می‌باشد. این مجتمع مسکونی دارای یک دروازه تعریف شده و نگهبان دائمی است.

مجتمع مسکونی بوعلی همدان، دارای حصار کامل پیرامون مجتمع می‌باشد که البته در برخی قسمت‌ها دچار فرسودگی و تخریب شده است. این حصار به شکل دیوار سیمانی کوتاه با میانگین ارتفاع حدود چهل سانتی‌متر در زیر و نرده فلزی روی آن با میانگین ارتفاع صد و بیست سانتی‌متر است. بخش بالایی نرده فلزی کاملاً صاف می‌باشد. این مجتمع دارای یک دروازه ورودی تعریف شده و نگهبانی شبانه است.

مجتمع مسکونی امام خمینی همدان، دارای حصار کامل پیرامون مجتمع می‌باشد که در بخش‌هایی دچار تخریب و بریدگی شده است. حصار پیرامون این مجتمع ترکیبی از دیوار سنگی در زیر با میانگین ارتفاع هفتاد سانتی‌متر و نرده فلزی روی آن با میانگین ارتفاع صد و بیست سانتی‌متر می‌باشد. بخش انتهایی نرده به شکل میله‌های عمودی می‌باشد. این مجتمع مسکونی دارای یک دروازه ورودی تعریف شده و نگهبانی دائمی می‌باشد.

۳. روش اجرای پژوهش

این پژوهش با دو راهبرد کیفی و کمی و در دو مرحله انجام شده است. مرحله نخست تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش مبتنی بر مبانی نظری تحقیق و مرحله دوم تدوین پرسشنامه و اجرای آزمون می‌باشد. پرسشنامه در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت ارزش‌گذاری شد. روش معادلات ساختاری و آزمون‌های آماری وابسته به آن برای سنجش معناداری رابطه بین وجود حصار و دروازه و امنیت نمونه‌های مطالعاتی به کار گرفته شد و سپس آزمون ناپارامتری یو-من ویتنی جهت سنجش معنا داری میانگین دو گروه مورد استفاده قرار گرفت.

۳-۱- تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

با رجوع به تعاریف مرتبط با امنیت می‌توان امنیت عینی را با میزان جرم و جنایت در دو کفه ترازو، مقابل هم سنجید. به عبارت دیگر کاهش نرخ جرم و جنایت با ارتقاء امنیت همراه است. پس با اندازه‌گیری میزان جرائم در یک دوره زمانی مشخص در مجتمع‌های مسکونی موردنظر می‌توان به سطح نسبی امنیت در آن‌ها دست یافت. جدول زیر براساس نوع جرائم شهری رایج در یک بازه زمانی مشخص تهیه شده است. نرخ جرم و جنایت در مجتمع‌های مسکونی مورد پژوهش از طریق پرسش از ساکنان ارزیابی می‌شود. لازم به توضیح است که این جدول، نوع جرم و نرخ جرم، براساس مطالعات میدانی اولیه، مبتنی بر مصاحبه با ساکنان مجتمع‌های مسکونی همدان شکل گرفته است.

جدول ۴: تعریف عملیاتی امنیت مجتمع‌های مسکونی

میزان وقوع جرم در یک بازه زمانی مشخص					نوع جرم
بیش از ده بار در سال	پنج تا ده بار در سال	سه تا پنج بار در سال	یک تا سه بار در سال	هیچ	سرقت
بیش از بیست بار در سال	ده تا بیست بار در سال	پنج تا ده بار در سال	یک تا پنج بار در سال	هیچ	خرید و فروش مواد مخدر
بیش از بیست بار در سال	ده تا بیست بار در سال	پنج تا ده بار در سال	یک تا پنج بار در سال	هیچ	ضرب و جرح
بیش از بیست بار در سال	ده تا بیست بار در سال	پنج تا ده بار در سال	یک تا پنج بار در سال	هیچ	مزاحمت
یک مورد در سال	هر دو تا سه سال یک مورد	هر سه تا چهار سال یک مورد	هر چهار تا پنج سال یک مورد	هیچ	قتل
بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	نرخ جرم

در این بخش، عوامل کالبدی محیط که براساس مبانی نظری تحقیق، منجر به کنترل دسترسی و قلمروگرایی می‌شوند، به صورت ارزشی رتبه‌بندی شده است. شاخص‌های کالبدی کنترل دسترسی در مجتمع‌های مسکونی به ترتیب اولویت شامل حصار و دروازه، درب ورود به بلوک، ورودی پارکینگ و گشودگی‌های کالبدی در بدنه بلوک‌ها می‌باشد. این اولویت‌بندی براساس میزان اهمیت هر کدام از این عوامل در کنترل ورود به بخش‌های مختلف مجتمع مسکونی؛ بر پایه مطالعات نظری پژوهش و مطالعات میدانی کیفی با ابزار مصاحبه انجام شده است. این مقاله فقط به بررسی نقش حصار و دروازه در کنترل دسترسی و در نتیجه امنیت بخشی به مجتمع‌های مسکونی می‌پردازد. لازم به توضیح است که هر دو عامل مذکور در کنار هم و به نسبت مساوی مورد سنجش قرار گرفته‌اند (جدول ۵).

شاخص‌های کالبدی منجر به قلمروگرایی، به ترتیب اولویت عبارتند از: حصار به شکل دیوار کامل یا نرده یا ترکیب آن دو با یکدیگر، وجود درخت پیرامون محوطه مجتمع، وجود درخت در ترکیب با شمشاد یا هر نوع فضای سبز، تغییر در نوع کفسازی می‌باشند. این مقاله، با توجه به ویژگی‌های نمونه‌های مطالعاتی، به سنجش میزان توانایی حصار در تعریف قلمرو برای مجتمع مسکونی و در نتیجه امنیت‌بخشی به آن می‌پردازد.

جدول ۵: تعریف عواملی کالبدی که منجر به کنترل دسترسی می‌شوند.

عوامل کالبدی	میزان و نوع عملکرد
حصار	میزان توانایی حصار در جلوگیری از ورود غریبه‌ها به داخل مجتمع
دروازه نگهبانی	میزان توانایی دروازه و نگهبانی در کنترل ورود و خروج افراد و بار و اثاثیه منزل
ورود به بلوک	میزان کنترل ورود افراد به داخل بلوک‌ها
ورودی پارکینگ	امکان ورود افراد غریبه به داخل پارکینگ
گشودگی‌ها	امکان ورود به داخل واحدها از طریق پنجره‌های با اکابه کم و تراس‌های قابل دسترس

جدول ۶: تعریف عوامل کالبدی منجر به قلمروگرایی

عوامل کالبدی
وجود حصار یا پرچین پیرامون محوطه وجود درخت و شمشاد در ترکیب با هم پیرامون محوطه وجود فضای سبز(درخت) به تنهایی، پیرامون محوطه تغییر نوع کفسازی بدون هیچ عامل پیرامونی فاقد هر عامل تفاوتی بین محوطه و بافت اطراف

در بخش دوم اجرای پژوهش بارویکرد کمی و در قالب آزمون های همبستگی، از طریق پرسشنامه که در طیف پنج گزینه ای لیکرت ارزش گذاری شده است، به سنجش نقش حصار و دروازه از بین شاخص های کنترل دسترسی و قلمروگرایی، در امنیت نمونه های مطالعاتی پرداخته می شود. این پرسشنامه شامل سه دسته پرسش می باشد؛ دسته اول، مشخصات فردی که تا حدودی بیان گر وضعیت اجتماعی- اقتصادی پرسش شونده هم می باشد. دسته دوم سنجش وضعیت امنیت مجتمع مسکونی، در پرسش های دسته سوم نقش عوامل کالبدی مورد نظر مانند حصار، دروازه در امنیت مجتمع مسکونی از نگاه ساکنان مورد پرسش قرار می گیرد.

داده های جمع آوری شده از پرسشنامه ها که بین ۳۷۲ نفر از ساکنان ۱۲۰۰۰ نفری مجتمع های مسکونی براساس رابطه کوکران (رابطه ۱) توزیع شده بود، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار می گیرد. محاسبات حجم نمونه با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۷ از فرمول زیر محاسبه شد.

روایی پرسشنامه قبل از توزیع از طریق نظر سنجی از ۱۵ استاد مورد تأیید قرار گرفت. اطلاعاتی که از اجرای پرسشنامه ها به دست آمد، جمع آوری، کدگذاری و وارد رایانه شد و با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش آلفای کرونباخ مهم ترین و پرکاربردترین روش محاسبه میزان پایایی ابزار اندازه گیری در نرم افزار SPSS است. روش آلفای کرونباخ، مستلزم تنها یک بار اجرای آزمون است. این روش بستگی به هماهنگی کارکرد آزمودنی از یک سؤال به سؤال دیگر داشته و محاسبه آن مبتنی بر انحراف استاندارد سؤالات می باشد. در نهایت براساس همبستگی درونی سؤالات، مقدار آلفا استخراج می شود. چنان چه این مقدار بیش تر از ۰/۷ باشد، می توان گفت ابزار دارای پایایی بالایی است. به عبارتی، گویه های یک مقیاس یا شاخص از همسازی بالایی جهت سنجش آن برخوردارند و برعکس، مقدار کم آلفا دلالت بر پایداری پایین ابزار اندازه گیری دارد (Habib poor, 2011).

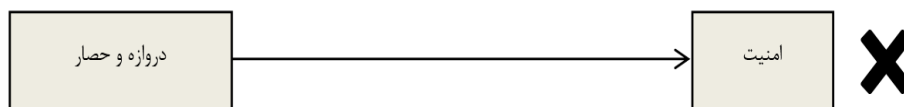
جدول ۷: پایایی پرسشنامه براساس آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	تعداد آیتم ها
۰/۷۱۲	۵۶

همانطور که مشاهده می شود در پژوهش صورت گرفته، مقدار آلفای کرونباخ استاندارد ۰/۷۱۲ است که نشان دهنده این می باشد که پژوهش صورت گرفته از پایایی مناسبی برخوردار است.

۴. امنیت در مجتمع های مسکونی دارای حصار و بدون حصار

برای سنجش امنیت در مجتمع های مسکونی دارای حصار و دروازه و فاقد حصار و دروازه، دو روش و آزمون های مربوط به هر یک مورد استفاده قرار گرفت. قسمت اول به کمک یک سری آزمون های رگرسیون و روش معادلات ساختاری هم رابطه بین امنیت و حصار و دروازه در نمونه های مطالعاتی مورد بررسی قرار گرفت.



جدول ۸: رابطه دروازه و نگرهبانی با امنیت

تحلیل همبستگی					
مدل تحلیلی	ضریب‌های استاندارد نشده		ضریب‌های استاندارد شده	مقدار t	سطح معنی داری
	مقدار B	انحراف معیار	مقدار Beta		
دروازه و حصار	-۰/۰۰۹	۰/۱۲۰	-۰/۰۰۷	-۰/۰۷۶	۰/۹۴۰

تحلیل داده‌های جدول فوق، وجود هر نوع رابطه بین دروازه، حصار و امنیت را نفی می‌کنند. پر واضح است که حصارها بدون دروازه و نگرهبان و به عکس معنی ندارد. پس دو عامل حصار فارغ از جنس مصالح آن و دروازه و نگرهبانی در کنار هم می‌توانند به‌عنوان یکی از شاخص‌های کنترل دسترسی در مجتمع‌های مسکونی عمل نمایند. کوتاه بودن دیواره حصار و جنس مصالح آن که در بیشتر موارد نرده‌های فلزی می‌باشد، به راحتی امکان گذر از آن را دور از چشم نگرهبان فراهم می‌کند. در مصاحبه‌های انجام شده با ساکنان مجتمع امام خمینی و پوعلی همدان نیز، نقش حصار به‌عنوان یک عامل بازدارنده جهت ورود به مجموعه نفی شده است که با نتایج بالا کاملاً مطابقت دارد. همانطور که نتایج آزمون‌های فوق نشان می‌دهد؛ سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد و رابطه معناداری بین امنیت و وجود حصار و دروازه در نمونه‌های مطالعاتی وجود ندارد.

در قسمت دوم، برای مقایسه امنیت در مجتمع‌های مسکونی دارای حصار و بدون حصار با توجه به ترتیبی بودن داده‌ها از آزمون ناپارامتری یومن- وایت‌نی که معادل پارامتری آن T دونمونه‌ای مستقل است، استفاده شده است.

جدول ۹: مقایسه وضعیت امنیت در فضای مجتمع‌های حصاردار و بدون حصار

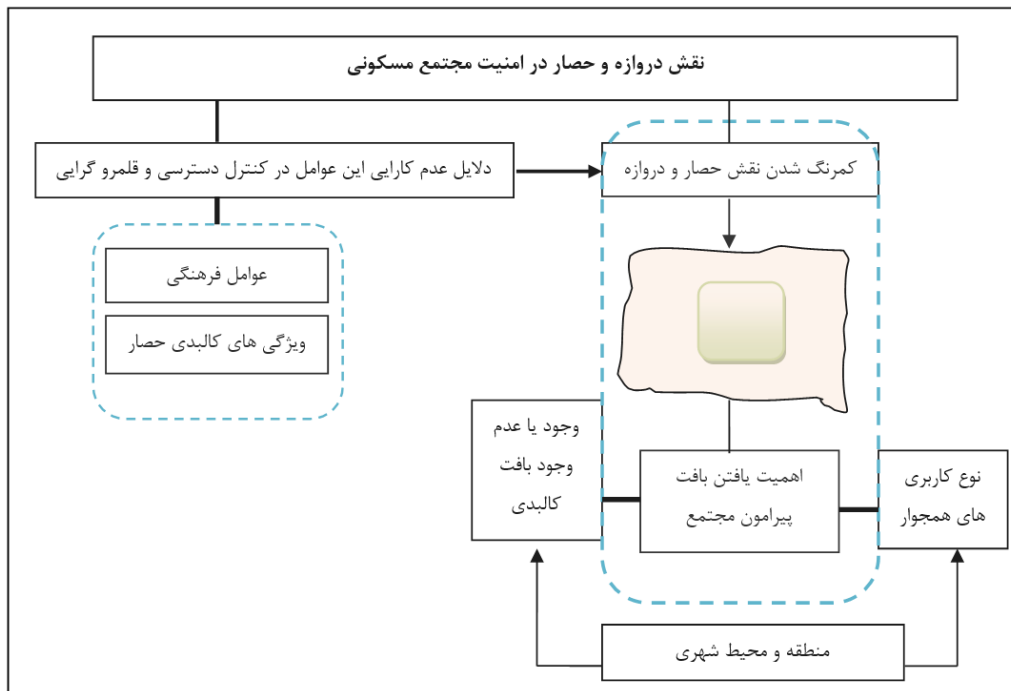
امنیت	سطح معنی داری
۴/۴۶۷	Chi-Square
۷	درجه آزادی
۰/۷۲۵	سطح معنی داری

همان‌طور که در جدول فوق مشخص است با توجه به مقدار سطح معناداری که برابر ۰/۷۲۵ می‌باشد، نشان‌دهنده عدم وجود اختلاف معنادار بین دو حالت با توجه به مؤلفه امنیت می‌باشد. بنابراین می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان اذعان نمود اختلاف معناداری از نظر شاخص در مجتمع‌های مسکونی در دو حالت حصاردار و بدون حصار وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، حصار و دروازه به‌عنوان یکی از شاخص‌های کنترل دسترسی، که در نگاه اول بسیار مهم و تأثیرگذار به نظر می‌رسید، نقشی در امنیت مجتمع‌های مسکونی همدان ندارد. کنکاش پیرامون عوامل کنترل دسترسی و قلمروگرایی نشان داد که مردم به موانع واقعی و نمادین، مانند حصار، پرچین یا فضای سبز، توجه نمی‌کنند و در عادات رفتاری مردم گذر از موانع، امری رایج می‌باشد. از سوی دیگر، حصار پیرامون مجتمع‌های مسکونی همدان، عمدتاً از جنس نرده‌های فلزی و کوتاه هستند که گذر از آن‌ها را بسیار سهل و ساده می‌کند. پس ویژگی‌های معماری یک عامل کالبدی و عادات رفتاری مردم منطقه در کارکرد آن عامل کالبدی اثرگذار است. با کم‌رنگ شدن نقش حصار و دروازه در تعریف قلمرو و کنترل دسترسی، نقش بافت پیرامون مجتمع مسکونی در اتفاقات داخل مجتمع پررنگ‌تر می‌شود. بر اساس ویژگی‌های کالبدی نمونه‌های مطالعاتی و بافت پیرامون آن‌ها مندرج در جداول ۲ و ۳، مناطق حاشیه‌ای شهر، فاقد بافت کالبدی مناسب پیرامون مجتمع مسکونی می‌باشند. همچنین کارکرد نامناسب حصار و دروازه به لحاظ جنس و ویژگی‌های کالبدی، باعث می‌شود در مجتمع‌های مسکونی حاشیه شهر، با بافت پیرامونی نامناسب، ورود غریبه‌ها به مجتمع را بسیار آسان شود. در همین راستا، کنکاش پیرامون نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کاربری‌های پیرامون مجتمع‌های مسکونی در نوع جرم و در نتیجه کیفیت امنیت تأثیرگذار است. مجتمع‌های مسکونی مستقر در مرکز شهر با بافت پیرامونی از جنس کاربری‌های تجاری و مسکونی، سرعت بیشتری را تجربه کرده‌اند و مجتمع‌های مسکونی حاشیه شهر و شهرک‌ها که دارای همجواری‌هایی از جنس کاربری‌های ناهمگون همچون مراکز اصلاح و بازپروری و مناطق مسکونی هستند، دارای تجربه بالاتری از جرائمی مانند مواد مخدر، مزاحمت‌ها و ضرب و جرح می‌باشند.

شکل ۳: مدل تحلیلی نهایی منتج از یافته‌های پژوهش



پی‌نوشت

1. Residential Complexes
2. Gated
3. Ungated
4. CPTED, Crime Prevention through Environmental Design
5. C Ray Jeffry
6. Defensible Space
7. Oscar Newman
8. Timothy Crowe
9. Surveillance
10. Accesses Control
11. Territoriality
12. Maintenance
13. Taylor, R.B
14. Perkins
15. Mayhew Patricia and Paul Brantingham
16. Cozene
17. James Q Wilson and George L Kelling
18. Aldrine, A
19. Nes and Rueb
20. Shu
21. Liebermann
22. Jericho
23. Blakely & Snyder
24. Blandy
25. Halberg
26. Fowler & Mangoine

References

- Abdulla, A., Salleh, M. N. M. (2012). Fear of Crime in Gated and Non-gated Residential Area. *Social and Behavioral Sciences*, 35, 63-73.
- Armitage, R. (2004). *Secured by Design: An Investigation of Its History, Development and Future Role in Crime Reduction*. PhD. Thesis, University of Huddersfield.
- Bemanian, M.R., Mahmoodi Nezhad, H. (2009). *Security and Urban Design*. Tehran: Helleh Publications.
- Blakely, E. J. & Snyder, M. G. (1997). Fortress America: Gated Communities in the United States, *Journal of Architectural and Planning Research*, 15(1), 61.
- Einifar, A., Agha Latifi, A. (2011). Territory Concept in Residential Complexes, Comparative Study of Two Residential Complexes on Surface and in Height in Tehran, *HONARHA-YE-ZIBA*, 47, 17.
- Ghafari, A., Nemati Mehr, M. & Abdi, S. (2013). Evolution of Crime Prevention through Environmental Design Approach. *Housing and Rural Environment Journal*. 144, 30.
- Habib Poor, K., Safari Shali, R. (2011). *Comprehensive SPSS Function Guidance in Surveys*. Tehran: Looyeh Publication.
- Habibi, M. (1999). *From Shar to City, From City Concept to its Physical Image*. Tehran: Tehran University Publications.
- Kyungkim, S. (2006). *The Gate Community: Residents Crime Experience and Perception of Safety behind Gates and Fences in the Urban Area*. Ph.D. Thesis, Texas A & M University.
- Lang, R. E., Danielsen, K. A. (1997). Gated Communities in America: Walling out the Word? *Housing Policy Debate*. 8(4), 867.
- Low, S. (2003). *Behind the Gates*. New York: Routledge.
- Minnery, J. R., Lim, B. (2005). Measuring Crime Prevention through Environmental Design. *Journal of Architecture and Planning Research*, 22(4), 330.
- Newman, O. (1972). *Defensible Space*, New York.
- Poor Jafar, M.R., Mahmood Nezhad, H., Rafieian, M. & Ansari, M. (2008). Enhancing Environmental Security and Urban Crimes Reduction, Emphasizing on CPTED Approach, *International Engineering Science Publication, Science and Technology University*. Special Issue of Architecture and Urbanism, 19(16).
- Salehi, I. (2008). *Environmental Features of Safe Urban Spaces*. Tehran: Architecture and Urbanism Study and Research Center.
- Soltani, A. & Mozayani, S. (2009). Examination of Gated Neighbors Role in Enhancing the Sense of Security among Residents, Case of Study: Shiraz City. *Social Discipline Journal*, 2, 10.